

متن‌شناسی ترجمه‌های فارسی قصص الانبیای کسایی

کاظم دزفولیان* - غلامرضا رفیعی**

چکیده

جستار حاضر می‌کوشد تا ضمن آشناساختن پژوهشگران با قصص الانبیای محمدبن عبدالله کسایی، به معرفی تفصیلی نسخ خطی ترجمه‌های فارسی آن بپردازد. بررسی نظام درون‌متنی این ترجمه‌ها به منظور دستیابی به ساختار سبکی (زبانی و ادبی) نیز یکی از اهداف راهبردی این پژوهش است. با عنایت به نبود اطلاعات کافی درباره زندگی مؤلف و هویت مترجمان فارسی این اثر، نقد نظرات فهرست‌نویسان و کتابشناسان در این باره نیز در این مقاله مطرح نظر بوده است. مهم‌ترین دلایل رویکرد نویسنده به طرح این موضوع را می‌توان شیوه‌روایی اثر کسایی؛ اشتها آن در میان قصه‌پردازان جوامع اسلامی؛ وجود نسخ خطی متعدد از آن در کتابخانه‌های معتبر جهان و نیز ناشناخته بودن نسخه‌های خطی ترجمه‌های فارسی قصص الانبیای کسایی در ایران و جهان دانست.

واژه‌های کلیدی

قرآن، قصص الانبیاء، نسخه خطی، کسایی، دیدوزمی، نغایس العرایس

مقدمه

قصص‌الانبیاء یکی از انواع ادب داستانی است که از دیرباز در سرزمین‌های اسلامی، به ویژه ایران، مورد توجه نویسندگان و تاریخ‌نگاران بوده است. مورخان و دانشمندان اسلامی به سبب اهمیت موضوع و تأکیدی که قرآن کریم (یوسف، 111) به دانستن سرگذشت انبیای پیشین داشت، در تدوین قصه انبیاء همت گماردند و از رهگذر همین مساعی، آثار فراوانی با عناوینی نظیر «قصص‌الانبیاء»، «تاریخ انبیاء»، «تاریخ رسل» پدید آمد. ارتباط این گونه آثار با علوم اسلامی و تاریخ ادیان، سبب جذابیت آنها گشت و زمینه ساز مطالعات و تحقیقات اسلامی در جهان غرب شد آن گونه که برخی پایان‌نامه‌ها، مقالات و کتاب‌های محققان علاقمند به پژوهش در حوزه مطالعات اسلامی به این موضوع اختصاص یافته است.¹ از قدیم‌ترین و معروف‌ترین کتاب‌های قصص‌انبیای موجود، می‌توان از «عرایس‌المجالس‌فی

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران K_Dezfoulian@sbu.ac.ir

** دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) gr_rafiie@sbu.ac.ir

قصص الانبیاء» اثر ابواسحاق احمد بن محمد بن نیشابوری معروف به «ثعلبی» (م. 427 ه.ق.) به عربی و «قصص الانبیاء» اثر ابواسحاق ابراهیم بن منصور بن خلف نیشابوری (قرن پنجم) و «تاج القصص» اثر ابونصر احمد بخاری (تالیف 475 ه.ق.) به زبان فارسی یاد نمود. همچنین به «قصص الانبیاء» اثر «محمد بن عبدالله کسایی» به زبان عربی و ترجمه‌های فارسی آن اشاره کرد. این منابع الگویی برای آثار سده‌های میانی و بعد از آن محسوب می‌شوند. در سده هفتم «قصص الانبیاء» اثر ابوالحسن بن الهیصم البوشنجی و در قرن هشتم آثار «قصص الانبیاء» عمادالدین ابی‌الفداء اسماعیل بن کثیر (774 - 700 ه.ق.) و «قصص الانبیاء» از قطب‌الدین سعید بن هبه الله راوندی (م. 786 ه.ق.)، حائز اهمیت‌اند. این نوشتار به دنبال پاسخ این پرسش‌هاست: اهمیت و ارزش قصص الانبیای کسایی در چیست؟ نسخ خطی ترجمه‌های فارسی این کتاب کدامند و به لحاظ ساختار متنی چه اهمیتی دارند؟ آیا «نفایس العرایس» دیدوزمی ترجمه‌ای از قصص الانبیای کسایی است؟ روش تحقیق در این نوشتار توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است.

پیشینه موضوع

در باره قصص الانبیای کسایی و ترجمه‌های فارسی آن، پژوهش‌های جامعی صورت نگرفته است. تنها تحقیق مستقلی که در این باره نگاشته شده، مقاله «قصص الانبیای کسایی» از فرشاد مزدرانی در مجله آئینه میراث است. ترجمه‌های فارسی آن نیز در دست تصحیح و چاپ است.² بنابراین، مقاله حاضر می‌تواند یکی از نخستین پژوهش‌های جامع در این زمینه باشد.

قصص الانبیای کسایی

از میان کتب قصص پیامبران که همچون «عرایس المجالس» ثعلبی در جهان اسلام اقبال یافته است، قصص الانبیای کسایی است. این کتاب به احتمال زیاد در اوایل قرن پنجم نگارش یافته است. هویت مؤلف آن به درستی معلوم نیست؛ حتی در نام و کنیه او نیز اختلاف نظر است؛ گاه قصص الانبیای وی را به خطا به «علی بن حمزه النحوی الکسائی» (م. 189 ه.ق.) نسبت داده‌اند. نسخه خطی موجود در کتابخانه ملک (به شماره 1383) به نام «ابوالحسن علی بن حمزه بن - عبدالله بن عثمان بن فیروز کسایی» ثبت شده است. با بررسی و مقابله متن آن با نسخ دیگر، معلوم گردید مؤلف آن همان «محمد بن عبدالله کسایی» است. «کشف الظنون» ذیل قصص الانبیای کسایی آورده است:

«قصص الانبیاء الکسائی و هو الامام علی بن حمزه النحوی القاری...» اما اغلب منابع و فهرست نویسان، نام کامل وی را «محمد بن عبدالله کسایی» آورده‌اند. نسخ خطی متعددی از این اثر با عناوین مختلفی نظیر «بدء الدنيا و قصص انبیا» «قصص الانبیاء و المبتدا» «بدء الخلق و قصص الانبیاء» (حاجی خلیفه، 1943: 1128/2) در کتابخانه‌های جهان، از جمله واتیکان (به شماره 444/5)،³ عربستان (به شماره 214/2ق) کتابخانه مرکزی نسخ خطی اسلامی مصر (به شماره 935 در 423 صفحه) کتابخانه رشید افندی و کتابخانه ملی آنکارا (به شماره 8575) موجود است. قدیم‌ترین نسخه برجای مانده از این اثر در موزه بریتانیا (به شماره or.3054) با نام «بدء الدنيا» نگهداری می‌شود و تاریخ کتابت آن 617 ه.ق. است. نسخه دیگری در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (به شماره 9893) به خط محمد بن محمد شافعی رافعی سباعی سرنحوی) با نام «قصص الانبیاء و المبتدا» به ثبت رسیده است. (تصویر شماره 1) نام مؤلف در تمامی این آثار محمد بن عبدالله کسایی است اما نسخه موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم (به شماره 2113) با عنوان «قصص الانبیا (المبتداء)» به نام ابوبکر محمد بن عبیدالله محمد کسایی است. نسخ موجود از این اثر در متن و محتوا با هم

تفاوت‌هایی دارند. با توجه به عناوین مختلفی که برای این کتاب آمده است و نیز اختلاف موجود در متن نسخ بر جای مانده از این کتاب، به نظر می‌رسد قصص الانبیای کسایی از جمله قصص مورد توجه عوام محسوب می‌شده است و در اکثر سرزمین‌های اسلامی زبانزد بوده است. قدیم‌ترین متن تصحیح شده از آن (تصویر شماره 2) توسط «یزاک ایزنبرگ» (Isaac Eisenberg) در سال 1922 صورت گرفته است.⁴ در این چاپ نسخه یا نسخ خطی مورد استفاده مصحح معرفی نشده است و به دلیل ذکر نکردن اختلاف نسخه بدلها در آن، نمی‌توان آن را تصحیحی انتقادی دانست. «مصحح این کتاب در سال 1898 مقاله‌ای درباره کسایی نوشت و کوشید تا ثابت کند، قصص الانبیاء از تالیفات «کسایی نحوی» است» (Nagel, 1986: 5/176).

نسخه‌ای از اثر محمدبن عبدالله کسایی به زبان انگلیسی توسط «Wheeler M. Thackston» ترجمه و با عنوان: «Tales Of The Prophets Of Al'Kisa'i» چاپ شده است. (تصویر شماره 3) مترجم در مقدمه خود اطلاعات چندانی در باره زندگینامه کسایی به دست نمی‌دهد اما خاطر نشان می‌سازد که «اساساً نسخه کسایی برای سرگرمی عامه مردم طراحی شده است و قصه‌گویان حرفه‌ای آن را از بر می‌خواندند... اگر محققى همچون ثعلبى نبود، کسایی به یقین یکی از استادان داستان پرداز می‌بود... کسایی سه گروه اسامی اشخاص را در داستان به کار می‌گیرد: اسامی موثق کتاب اسامی مقدس (Authentic biblical names) اسامی ساختگی (Fabricated biblical names) و خاص عربی (Arabic proper names)» (Cf. Thackston, 1997: Introduction). همچنین در سال 1998 متن این اثر از سوی «طاهر بن سالمه» با عنوان «بدء الخلق و قصص الانبیاء» در تونس تصحیح و چاپ شده است. مصحح در مقدمه سبب انتخاب عنوان این اثر را در این می‌داند که محتوای کتاب منحصر به بیان داستان انبیا نیست بلکه حوادث و وقایع زمان‌های دیرین متعلق به عامه مردم را نیز در بر دارد. همچنین خاطر نشان می‌سازد که در تمامی کتب تاریخ و تذکره که وی امکان مراجعه به آنها را داشته است، ذکری از کسایی مورد نظر نیافته است. وی یکی از دلایل رد عقیده ایزنبرگ، که این اثر را از ابوالحسن علی بن حمزه کسایی دانسته بود، اعتماد محمدبن عبدالله کسایی، به رابویانی همچون ابن عساکر (م. 571 هـ.ق.) راوی و محدث قرن ششم می‌داند و خاطر نشان می‌سازد که چون زمان حیات وی قرن‌ها بعد از حیات علی بن حمزه است، نمی‌توان منطقی دانست که حمزه کسایی از وی نقل قول آورده باشد.⁵ نگارنده با مراجعه به نسخ خطی عربی موجود و ترجمه‌های فارسی آن، نامی از ابن عساکر در هیچ یک از آنها مشاهده نمود. با وجود این اگر قرن پنجم را به عنوان قول رایج درباره زمان حیات مؤلف این اثر بپذیریم، می‌توان احتمال داد طاهر بن سالمه در این باره به خطا رفته است.

قصص الانبیای کسایی ویژگی‌های مخصوص به خود را دارد. تمامی نسخ عربی و ترجمه‌های فارسی آن با تحمیدیه زیر آغاز شده است:

«الحمد لله الذی انبت الخلق نباتا و جعلهم احياء بعد ما كانوا امواتا و جمعهم بعد ما كانوا اشتاتا...»

کسایی در مقدمه کتابش به هدف اخلاقی خاصی اشاره نمی‌کند و می‌نویسد: «هرکه این قصص بخواند، ما را یاد دارد. وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ حَسْبِي وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ» (نسخه خطی پاریس: 2الف)⁶ وی پس از مقدمه، داستان لوح و قلم، خلق آب، عرش و کرسی، زمین و کوهها، آسمان و ملائکه، آفرینش خورشید و ماه، بهشت و دوزخ را آغاز کرده است و سپس به داستان انبیا از آدم (ع) تا حضرت عیسی (ع) و جرحیس پرداخته است. در برخی نسخ همانند نسخه خطی دانشگاه میشیگان آمریکا، «قصه اصحاب کهف» به بخش پایانی کتاب افزوده شده

است. شیوه بیان قصص برخلاف بیشتر آثاری از این دست، ساده، روایی و عامه پسند است و در آن از تحلیل و تفسیر و یا طرح سوالات حکمی و کلامی، نظیر آنچه در قصص الانبیای نیشابوری دیده می‌شود، اثری نیست. در ضمن داستان‌ها به ذکر جزئیات وقایع و شناساندن اغلب اشخاص می‌پردازد. ساختار بیشتر قصص با شرح و تفصیل و نقل اقوال همراه است. مؤلف بیشتر روایتها را از زبان راویانی همچون «وهب بن منبه»، «کعب الاحبار»، «ابن عباس» می‌آورد و به اقوالی از «امام جعفر صادق (ع)»، «بوذرغفاری»، «ابوالحسن»، «مقاتل ابن سلیمان»، «قتاده» و «ابوهریره» اشاره می‌کند. داستان‌های کسایی برداشتی عامه پسند از قصص قرآن است. ویژگی خاص اثر او ساختار منسجم داستانی آن همراه با نقل قصص و حکایات با چاشنی تخیل است و همین ویژگی، کتاب کسایی را به اثری کاملاً داستانی و ادبی بدل کرده است. وی در نقل قصص، بیشتر توجه به روایت منطقی داستان دارد به همین روی، رویکردی ویژه به مسائل کلامی و برداشت نمادین از رسالت انبیاء در اثر او دیده نمی‌شود. در توصیف شخصیت‌ها و افراد داستان ظرافتی خاص به خرج می‌دهد و از معرفی دقیق هر یک فروگذار نیست. می‌توان گفت از میان آثاری از این دست، تنها قصص الانبیای اوست که در آن از این همه اسامی اشخاص و مکان‌ها و اقوام بشر سخن به میان آمده است. در «قصه حام و پسران نوح» با عنوان «حدیث یافث و سام» منشأ اقوام را این‌گونه شرح می‌کند:

«... یافث پنج پسر داشت: جوهر، بترش، مناسح، انساف و سفویل؛ صقلاییان از جوهرند و همچنان روم و جنس‌هاشان از او پدید آمدند و از بترش جمله ترکان و انواع ایشان بزادند و از مناسح جمله عجمیان بزادند و از انساف یاجوج و ماجوج بزادند و از سفویل ارمنیان بزادند و اما سام را هم پنج فرزند بزادند؛ فخشند و او پدر عرب است جمله از ربیع و مصر و روابار و یمن جمله از فرزندان سام‌اند و اسودبن سام و او پدر نسناسان است و ایشان به یمن بودند و به حضرموت و ایشان یک چشمی‌اند و یک گوش دارند و یک دست و یک پا ندارند و عادیان از آن نسل‌اند و ارم بن سام و او پدر عاد است و ثمود و اما عاد پسر عوص است پسر ارم و ارم پسر سام است و اما ثمود پسر عاد است بن ارم بن سام و ازین بسیار شدند قبایل عرب و جای عاد از عمان بود تا به حضرموت تا به رمله و اما ثمود فروآمدند به زمین کوئی و آن ولایت بسیار است و هفده سال آنجا بودند و آنگه به دیار حخر رفتند و آنجا کوشک‌ها ساختند.» (نسخه خطی پاریس: 43ب)

توصیف و شرح جزئیات چنان که یادشد یکی دیگر از ویژگی‌های شاخص داستان‌های کسایی است. توصیف مکان‌ها و حتی دارایی‌های اشخاص، اثر وی را به داستان‌های تخیلی جذّاب و خواندنی بدل کرده است. کثرت دارایی‌ها در داستان ایوب این‌چنین توصیف شده است:

«... چهل هزار اشتر بداد و بیست هزار ناقه و چهارهزار گاو و چهارصد هزار گوسفند و چهارصد هزار بز و پنج هزار غلام و پنج هزار کنیزک و چندانی دینه‌ها داد که دریشان صد معتمد بود کی کارهای دینه‌ها می‌گزاردند و هر وکیلی را صد مثقال زر بود هر ماهی جامگی» (نسخه خطی پاریس: 119الف)

در ضمن متن به آیات قرآنی استناد جسته است و عین آیه یا بخشی از آن را نقل کرده است و گاه متناسب با موضوع ابیاتی نیز در متن مشاهده می‌شود؛ از جمله در داستان هابیل و قابیل به هنگام کشته شدن هابیل و ریختن خون وی بر زمین و گردیدن رنگ درختان، از زبان حضرت آدم (ع) این ابیات آمده است:

وَجَعَلْنَا الْأَرْضَ مُغْبَرًا قَبِيحًا	وَتَغَيَّرَتِ الْبِلَادُ وَمَنْ عَلَيْهَا
وَقَالَ بَشَاشَةُ الْوَجْعَةِ مَلِيحًا	وَتَغَيَّرَ كُلُّ ذِي طَعْمٍ وَلَوْنٍ

قَتَلَ قَائِلٌ هَائِلٌ أَخَاهُ فَوَى الْأَسْفَى عَلَى وَجْهِ صَبِيحٍ⁷
(کسایی، 1922: 73)

تفاوت‌هایی در متن نسخه‌های خطی برجای مانده از این اثر دیده می‌شود. شیوه روایت‌گری کسایی در داستان‌های این کتاب و اشتها آن در میان قصه‌گویان سبب اقبال عامه مردم به این اثر شده است. علاقه داستان‌پردازان به نقل قصه‌های این اثر سبب رواج آن در میان توده مردم شده است و این امر می‌تواند خود دلیل احتمالی تفاوت‌ها و اختلاف نسخ باشد. در اغلب نسخ پس از داستان حضرت عیسی (ع) قصه جرجیس آخرین بخش کتاب است و در برخی، نظیر نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دانشگاه میشیگان و دانشگاه ملک سعود عربستان، حکایت خروج حضرت مهدی (عج) در ضمن داستان حضرت عیسی (ع) آمده است اما در نسخه مصحح ایزنبرگ، ذکری از این قصه به میان نیامده است و داستان عیسی آخرین بخش کتاب است.⁸

ترجمه‌های فارسی

از قصص الانبیای محمدبن عبدالله کسایی ترجمه‌هایی به زبان فارسی در دست داریم که در برخی فهرست‌ها و کتابشناسی‌ها از آنها با نام «نفایس العرایس و قصص الانبیا» یاد می‌شود. کتاب الذریعه در معرفی این اثر آورده است: «(نفایس العرایس) فی قصص الانبیاء، ترجمه فارسیه لقصص الانبیاء تألیف الکسائی، محمدبن عبدالله، مؤلف «عجایب‌الملکوت» المذکور فی کشف‌الظنون. ألف الکسائی المتن العربی قبل سنه 617 م (تاریخ إحدى نسخ الكتاب الموجودة فی المتحف البريطاني رقم 3054 or و طبع المتن فی لیدن 1922 - 1923 م. والترجمه الفارسیه لمحمدبن الحسن الیدیوزمی. يوجد نسخه منه بباریس (بلوشه، 1، 366) کتابتها 673. و باستانبول (عمومیه) کتابتها حدود 950 و بغداد کشکو، کتابتها 983 کما فی (خطی فارسی) ص 4562 و مر " عرائس‌المجالس " و " عرائس‌النفایس " فی ذ 15: 342 - 343.» (آقابزرگ طهرانی، 1978: 24/ 240)

جلد دوم کتاب ادبیات فارسی بر مبنای استوری تألیف «چارلز آمروز استوری» به نقل از فهرست ادگار بلوشه ذیل کلمه «نفایس العرایس»، آن را چنین معرفی می‌کند:

«نفایس العرایس و قصص الانبیاء اثر محمد ابن حسن دیوزمی (فهرست بلوشه: 366/1) نوشته به سال 673 هـ. ق. / 1274 م. محل نگهداری کتابخانه عمومی بایزید ترکیه» (استوری، 1362: 2/ 727)

کتاب دستنوشته‌های ایران (دنا) ذیل کلمه «قصص» این اثر را چنین معرفی نموده است:

«قصص الانبیاء/تاریخ پیامبران/فارسی/دیزبونی، محمدبن حسن /کاتب یوسف بن محمد بن حمید بن سعید بن احمد/خط: نسخ/ نزدیک به پایان جمادی الثانی 673 هـ. ق.» (درایتی، 1389: 204/8)

استاد سعید نفیسی در کتاب تاریخ نظم و نثر در ایران ذیل کلمه نفایس می‌نویسد: «نفایس العرایس و قصص الانبیا از محمدبن حسن دیدوزمی که در قرن پنجم به فارسی ترجمه کرده است.» (نفیسی، 1344: 64/ 1)

فهرستواره کتابهای فارسی نیز نام مترجم این قصص الانبیا را «دیزیدوزی (دیدوزی)» معرفی می‌کند (منزوی، 1382: 1/ 488).

معرفی نسخه‌های فارسی:

نسخه پاریس: این نسخه قدیم‌ترین ترجمه فارسی قصص الانبیای کسایی است (تصویر شماره 4). ادگار بلوشه در

فهرست خود، آن را قدیم‌ترین نسخه موجود معرفی کرده است و به تبع آن دیگر فهرست نویسان از آن به عنوان کهن‌ترین ترجمه فارسی یاد کرده‌اند. نسخه اصلی آن در کتابخانه ملی پاریس (به شماره R7843) نگهداری می‌شود. میکروفیلم آن در فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ثبت و موجود است. استنساخ آن مطابق آنچه در صفحه‌ی پایانی کتاب آمده، در اواخر جمادی الاخری سال 673 هـ.ق. و به خط «یوسف بن محمد بن حیدر بن سعید بن احمد» صورت گرفته است:

«تمت الكتاب بحمد الله العزيز الوهاب على يدى يوسف بن محمد بن حيدر بن سعيد بن احمد غفر الله له ولوالديه و لجميع المسلمين و المسلمات و اصحابه و لمن قرأه و دعا لصاحبه و كاتبه و فرغ من تحريرها فى اواخر جمادى الاخرى من شهر سنة ثلث و سبعين و ستمائة و الحمد لله رب العالمين و صلواته على احمد المرسلين محمد و آله و اصحابه الطيبين و اجمعين» (نسخه پاریس: 256ب)

در مقدمه کتاب پس از تحمیدیه کوتاه به عربی، به نام مؤلف تصریح شده است:

« شیخ امام محمد بن عبیدالله کسایى گوید رضی الله عنه که جمع کردم این کتاب را در آفرینش خلق آسمان ها، زمین ها از جن و انس و قصص های انبیا علیهم السلام به قدر اخبار که بمن رسیده است بعد از آنک جهد بسیار کردم و آنچه درست شد آوردم و آنچه دور از کار بود، بگذاشتیم» (نسخه پاریس: 2الف).

چنان‌که مشاهده می‌شود مؤلف اصلی اثر، محمد بن عبیدالله کسایى معرفی شده است اما در هیچ جای مقدمه و یا مؤخره کتاب نامی از عنوان اثر یعنی «نفایس العرایس و قصص الانبیا» و مترجم آن محمد بن حسن ديدوزمی، نیامده است.

ویژگی‌های صوری

این نسخه دارای مقدمه و فهرست مطالب است. پس از مقدمه، «فهرست قصص ها و غیره» شروع می‌شود. فهرست به صورت افقی مرتب شده است و در هر سطر اغلب چهار یا پنج و گاه شش عنوان بدون ذکر شماره برگ یا صفحه درج گردیده است. چند صفحه از فهرست کتاب به خط و طرح دیگری است و احتمال اینکه اصل این صفحات افتاده و بعدها ترمیم و بازسازی شده باشند، هست. تعداد عنوان‌ها در مجموع 214 مورد است که از این میان، 135 مورد با عنوان «قصه» و باقی آن با عناوین «حدیث، صفت و معجزه» آمده است. کتاب 254 برگ دارد و در هر صفحه متن اصلی، 21 سطر کامل به خط نسخ و با جوهر سیاه نوشته شده است. عناوین قصه‌ها درشت تر و برجسته تر از دیگر متن‌هاست. قبل از آیات قرآن عبارت «قوله تعالى» آمده و گاه آیات درشت تر از سایر متن‌هاست. نوشته‌ها اگرچه فشرده‌اند و یکنواخت، اما به نسبت خوانا و جز چند مورد بدون ابهام‌اند. صفحه آغاز و پایان متن افتادگی ندارد. در مقایسه‌ای که با متن نسخه خطی فارسی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به عمل آمد، مشاهده گردید چند صفحه در بخش‌های آغازین کتاب، مربوط به قصه اسرافیل افتاده است. با این حال خوردگی لبه‌های کاغذ ناچیز است اما پخش جوهر بر اثر نم و رطوبت در بعضی صفحات مشاهده می‌شود که گاه خواندن متن را مشکل می‌کند. صفحات آن فاقد رکاب⁹ و تذهیب و هرگونه حاشیه بندی است.

اعراب و رسم الخط

آیات قرآن و اشعار و اقوال و امثال عربی اعراب کامل ندارند اما درج مصوت‌های کوتاه در برخی از واژگان سبب

گردیده است تا شیوه تلفظ برخی از واژه‌ها در زمان مترجم و یا کاتب برای ما آشکار شود:
 «برابر قَصْر وِی بیستاد» (170 الف)، «سیصد هزار سُوَار دارد» (176 ب)، «با من بُباشی» (193 الف)، «ما را بفلان جایگاه بُبَر» (160 ب)، «من بر زبَان تو برانم آنچه واجبست» (299 الف).

این نسخه همانند تمامی نسخ خطی، دارای رسم الخطی خاص است که می‌توان به مواردی از آنها بدین اشاره نمود:
حروف «آ، ا»: در اغلب موارد بدون علامت «مد» آمده و گاه کامل نوشته شده است و در چند مورد بویژه در ترکیبات عربی به صورت «أ» است و در برخی موارد به سبب اشباع «همزه» حذف شده است:

«از رسول علیه السلم پرسیدم که کدام آیت فاضلترست اندر قرآن؟ گفت: آیه الكرسي انگاه گفت که نیست اسمانها نزد کرسی» (7 الف). «بریشان انعام و احسان من عام است و بریشان حلیمم و بر جاهلی ایشان عفو می‌کنم» (121 ب).

مصوت بلند «ا» در پایان واژه‌ها گاه با کمی امتداد به سوی پائین همراه است. البته این را نمی‌توان شاخصه کلی دانست:

«مُعْجَمًا» و «وَالْبَاطِنِ أَمَّا»

حروف «ب، پ»: این دو حرف گاه بدون وجود شاخصه‌ای به صورت «ب» کتابت شده است و تشخیص آنها از هم، تنها با شناخت واژه یا قرینه‌های دیگر مقدور است. اما در مواردی، حرف «پ» با سه نقطه آمده است:
 «هارون بنداشت که فرعون در پی وی کسی فرستاد و آن نور را مشعله بنداشت و بترسید و جب و راست نگاه کرد» (139 الف). «و او را پسری بود که وی را سنجاب بن ریان گفتندی» (122 الف).

حروف «ج، چ»: این دو حرف، چنانکه در رسم الخط نسخه‌های فارسی رایج بوده است، شبیه هم نوشته شده‌است. تنها شناخت واژه و یافتن قرینه معنوی می‌تواند تمایز آنها را نشان دهد.
 «فرعون چون این بدید، متحیر شد» (140 الف). «از انجا به خانه آمد و اهنی را کرم کرد همچون میل و هر دو چشم خود را بکند» (181 ب).

حروف «د، ذ»: آوردن «ذ» به جای «د» نیز از شاخصه‌های رسم الخط نسخ خطی فارسی است. در اغلب موارد حرف «د» واژه‌های فارسی «ذ» کتابت شده است و تشخیص آن با شناخت واژه و قرینه معنوی میسر خواهد بود. این ابدال در فارسی دری در مواردی انجام گرفته که پیش از «د» مصوتی قرار داشته است» (ناتل خانلری، 1366: 50 / 2):
 «بشارت دادند آدم را بدین بنج کس که از دختران تو خواهد بوذن... و روزی ما و همه خلایق می‌دهد هیچ چیزی بدو نماند» (126 الف).

حرف «ژ»: این حرف با سه نقطه کتابت شده است.

حروف «س، ش»: این حروف شاخصه خاصی ندارند و گاه با دندان و گاه بدون دندان و با کمی کشیدگی نوشته شده‌اند.

حروف «ک، گ»: این دو حرف به یک صورت کتابت شده و شکلی واحد دارند. تشخیص آنها از هم با قرینه معنوی و توجه به ساختار واژه ممکن خواهد بود:

«جون خواست کریختن، جبرئیل گفت: یاموسی! از خدای خود می‌کریزی و او با تو سخن می‌گوید. گفت از اژدها می‌کریزم» (137 الف)

حرف «های بیان حرکت» در پایان برخی واژه‌ها نوشته نشده است: «آنچ، آنک، چنانک» نیز واژه‌های مختوم به «های» بیان حرکت، که با «ها» جمع بسته شده‌اند، بدون حرف «های بیان حرکت» آمده است مثل: معجزها به جای معجزه‌ها، جامها به جای جامه‌ها:

«فرعون لعین بفرمود تا جامه‌هاش بیرون کردند و هرچه زینت و بیرایه داشت، بستند» (150 الف).

همچنین واژه «که» در اکثر موارد «کی» ضبط شده است:

«خدا داند که از آنجا کی خلاص شود و مصلحت آنست کی خلق را به تو خوانی» (185 ب).

حرف «ی»: این حرف آنگاه که مصوت بلند پایانی واژه هاست با دو نقطه روی آن آمده است:

ویران‌روزی هلاک کردی

این ویژگی گاه برای صامت «ی» در پایان واژه نیز دیده می‌شود:

ولیعن روی نریزمن خوار است

برخی واژه‌هایی که به صامت «ی» ختم شده‌اند، هنگام اضافه شدن مصوت بلند «ی» در پایان آنها، با یک «ی» آمده است:

«جه باشد آریا کی»

«ی» میانجی و نکره و شناسه گاه به صورت «ء» در پایان واژه کتابت شده است:

«نعمتهاء ایشان و چهاربایانشان زیاد شد» (173 ب). «می‌خواهید تا شما را معجزهء بنمایم که من رسول

خدایم؟» (170 ب) «ای مرد تو کیستی و از کجا آمدهء» (253 ب).

واژه‌های «علیه السلام» به صورت «علیه السلم» و «تورات»، «توریت» تحریر شده است.

«آنگاه موسی علیه‌السلام توریت را بر بنی‌اسرائیل بخواند و گفت که این کلام خداست» (152 الف).

حرف اضافه‌ی «به» اغلب به متمم وصل شده است:

«من آنرا بفلان دیه بشبان سپرده‌ام» (162 الف).

«می» استمرار در ابتدای فعل جدا آمده است:

«... در بنی‌اسرائیل می‌بود و بریشان حکم و امر و نهی می‌کرد» (169 الف).

نقش نمای مفعولی «را» گاه به مفعول پیوسته است، به ویژه آنگاه که مفعول ضمیر است و گاه جدا آمده است:

«ویرا عظیم آراسته بودند» (170 الف). «عامیل بفرمود تا زمین را بکنند و در وی آتش برافروخت و فرمود تا زیله

را در وی انداختند» (175 ب).

ضمیر «تو» اگر قابل اتصال به واژه‌ی بعد باشد، به صورت «ت» پیوسته به واژه پس از خود است:

«عیسی گوید: به حق آنک ترا این عمر دراز بداد که خبر دهی که تو کیستی؟» (251 ب).

فعل «است» با حذف همزه آغازین به واژه قبل از خود پیوسته کتابت شده است:

«بدانید که این پسر منست» (190 ب).

پسوند صفت تفضیلی اغلب به صفت پیوسته است:

«پس از خدا بخواست که وی را زشتتر بگرداند» (167ب).

علامت جمع «ها» به اسم خود پیوسته است:

«بعضی دفتینها و کنجها را از زمین بدرمی‌آوردند» (198ب).

ساختار سبکی و زبانی

سبک نثر نسخه پاریس را می‌توان از نوع سبک مرسل دانست. نثر آن به جهت این‌که ساختاری روایی و داستانی دارد، ساده، روان، شیوا و به دور از هر گونه تکلف و تعقید است و معنی کلام در آن بسیار زود دریافت می‌شود. متن خالی از هرگونه اطناب و اسهاب است. حتی در مقدمه کتاب از سجع و موازنه و آرایشهای کلام اثری نیست. کاربرد واژه‌های فارسی سره از مشخصات بارز سبک نثر آن است. حضور درصدی از لغات و ترکیبات عربی در آن، موجب ابهام و دیربایی مضمون نیست. متن از هرگونه اصطلاحات کلامی و استدلال‌های فلسفی صرف، که سبب دشواری شود، به دور است. در تمامی متن کمتر جمله‌ای طولانی به چشم می‌آید. اغلب جملات کوتاه و صریح بیان شده است. مترجم، نثر این اثر را به زبان گفتار و مشافهه نزدیک نموده و همین امر باعث شده است در اجزا و ارکان سخن، تقدیم و تأخیر به وجود آید چنانکه ساختار بیشتر جمله‌ها به صورت غیر مستقیم است:

«و براند موسی گوسفندان خود را و اهلش را و می‌آمدند به مصر و دعاکرد بر زمین مدین» (136ب)

از دیگر ویژگی‌های سبکی درخور توجه این نسخه استعمال واژگان کهن و مهجور و ترکیبات زیباست:

بان(بام): «بلقیس بر بان قصر برآمد و پدر خود را بخواند» (210الف).

جُمندگان(حیوانات): «و حشرات و هوام مسخر سلیمان شد از ماران و عقارب و جمله جُمندگان» (198الف).

چاروا: «گفت: یا مادر! این چه چارواست و گوسفندان؟» (148الف).

خط(نامه): «خطی نبشت نزد بلقیس و خط را آصف نبشت» (211ب).

خندناک(شاد و خندان): «می بینم که دنیا به وجود تو خندناک شده است» (196الف).

خیو(آب دهان): «در وی آب کرد و سه بار در وی خیو بینداخت» (255الف).

دروخ(دروغ): «شما بر خدا دروخ مگویید» (143ب).

دشخوار(دشوار): «برای آنک مرگ تلخ است و صعبت و کاره‌اء دشخوار دارد» (169ب).

دیرینه(سالخورده): «من دیرینه شدم و فرزند ندارم» (168ب).

دیگ(به معنی دیروز): «گفت: یا موسی! دیگ یکی را کشتی بس نیست» (133ب).

رهاکردن(اجازه دادن): «گفت که رها نمی‌کنند که درآیم» (209ب).

ریش(زخم): «بینی وی ریش شد و شکلش زشت شد» (167ب).

ژبان(زبان): «من بر ژبان تو برانم آنچه واجبست» (229الف).

زواده(آذوقه): «زکریا را علیه السلم ماده خری بود، بدیشان داد و زواده بداد و به راه کرد به شب» (242الف).

ژیوه(جیوه): «ژیوه آوردند و در میان چوبها ریختند» (143ب).

سُرو (شاخ): «چهار سرو داشت و در میان سروهایش شعله آتش بود» (123ب).
 سوار (سوار): «وی سیصد هزار سوار دارد» (176ب).
 غمازی کردن (جاسوسی کردن): «برخاست آن مدبر که به هامان غمازی کند زمین وی را بگرفت» (129ب).
 فرخال (مجعد): «موی فرخال داشت و مژه چشمش بسیار بود» (176ب).
 کُشش کردن (کشتن): «ایشان سخت کُشش کنند و لشکری به روم بفرستد و آنجا کُشش کنند بسیار» (249الف).
 گرسیدن (چسبیدن): «از گرسنگی شکمش به پشتش گرسید» (219ب).
 واز (باز): «یک در را بزد به عصا واز شد و موسی درآمد و فرعون را دید خفته» (139ب).
 هنباز (شریک): «خدا عزیزتر از آنست که او را هنباز باشد» (140ب).
 یاوه کردن (به معنی گم کردن): «آنچ یاوه کرده‌ای، من بردم کسی را زحمت مده» (179ب).
 آوردن صیغه های کهن فارسی دری نظیر: دانستمایی، بدیدمانی، نخوردمانی، نخواستمانی، بکشتمانی: «اگر آن مرغ را ما بدیدمانی، دیگر چیزی نخوردمانی و آب و نان نخواستمانی» (184الف).

ویژگی‌های دستوری

آوردن جمله به سیاق نحو عربی (مفعول مطلق):
 «موسی را به در آورد و شیر داد و بگریست گریستنی سخت» (130الف).
 جمع بستن اسامی جانوران و غیر ذیروح با «ان»
 «آنگاه سگان را و گربکان را و موشان را بخوردند» (172ب).
 «اگر بفرمایی بتان بسازم تا مردم عبادت کنند» (123ب).
 جمع بستن اسامی جمع مکسر عربی با «ها»
 «ملک نگاه می کرد به خوبی آن قصر و به کنیزکان و آلت‌هایی که آنجا بود» (210الف).
 «از جمله احوالها خبردار شد» (211الف).
 «تا» به عنوان شبه جمله:
 «گفتند: این خوابهای شوریده‌است و از این خواب تا نترسی» (128الف).
 «یا هامان! تا مغرور نکند آنچه تو در آنی» (141ب).
 «تا» در معنی «به شرط اینکه»:
 «[شیطان] گفت: یا نوح! بخواه از خدای تو که توبه مرا قبول کند یا نه. نوح درخواست، وحی آمد که تا آدم سجود کند» (36ب).
 «تا» به معنی «بگذار تا»
 «یا اشعیا! بگو صدیقه را که تو امشب خواهی مردن تا اگر وصیتی می کند تا بکند» (228ب).
 «خدای تعالی وحی کرد که یا موسی! تا بسازد که ما آن را خراب کنیم» (144الف).
 «ی» شرطی:

- «اگر نه آن بودی که من حلیمم، وی را بزودی هلاک کردمی و اگر به آسمان فرمودمی، بر وی سنگ باریدی و اگر به زمین گفتمی، وی را فرو بردی.» (137ب).
- «اگر سحر بودی، ما دانستمانی» (143ب).
- «ی» استمرار:
- «صخر مشربه آبگینه بیاورد صافی که چون آب خوردی، ایشان را می‌دید» (204الف).
- «ی» مصدری:
- «هم ملک و هم کمال عقل و خوبی و جوامردی دادم ترا» (195الف).
- «ی» تمنّا:
- «کاشکی مرا حال همچنان بودی که تراست» (216الف).
- «الف» کثرت:
- «نیکا پدرا که تویی! و نیکا فرزندا که وی است!» (169الف).
- «را» نشانه فک اضافه:
- «ولیکن شما را عدد چند است» (203الف).
- «را» در معنی «برای»:
- «دین تو وی را سودی بدارد» (173الف).
- «را» در معنی «به»:
- «او را یتیم بنی اسرائیل می‌گفتند» (230ب).
- «را» در معنی «از»:
- «محمد آن کس است که از همه بیشتر او را یاد کنم» (150الف).
- «را» نقش نمای مفعول:
- «من او را تیمار داشتم» (245ب).
- «را» نشانه اختصاص:
- «گفت: یا موسی! این بر قدّ منست و این مراسم» (164الف).
- «به» در معنی «به سوی»:
- «وی گرگی را که به گوسفندش می‌آید، می‌گیرد» (177الف).
- «به» در معنی «از»:
- «به عجوزه پرسید که یا عجوزه! این چه آوازست که می‌شنوی؟» (247ب).
- آوردن ضمیرشخصی همسان (ضمیرجدا به جای پیوسته):
- «می‌خواهد که شما را از زمین شما بیرون کند» (142ب).
- فعل دعا:
- «خدا ترا از وی برخوردار گرداناد و ما را نیز مبارک گرداناد» (191ب).

مطابقت موصوف و صفت در جمع:

«من بیامرزم ایشان را هر چه در آن روز و آن شب کرده باشد از گناهان صغایر» (150ب).

«ایشان نیز رنگهای عجایب داشتند» (206الف).

فاصله افتادن پیشوند نفی از فعل:

«وحی آمد که من نه نهی کردم ترا که بدرمیا بدیشان؟» (156الف).

آوردن فعل در وجه مصدری:

«وحی کرد خدای تعالی که یا موسی! ترا قبض خواهم کردن» (165ب).

آوردن همزه و شناسه به جای فعل:

«من از او مستغنی ام و مهلت داده‌ام وی را تا حجت برو بگیرم» (137ب).

«گفت: مترسید که من با شما ام؛ می شنوم و می بینم» (138الف).

استعمال واژه «سخت» به معنی «بسیار» در کاربرد قیدی:

«بنی اسرائیل او را نیز سخت دوست داشتند» (191الف).

آوردن «این و آن» برای معرفی سازی اسم:

«ولیکن این قصر من ساخته دیوانست» (209ب).

«آن خشم وی ساکن شد» (132الف).

آوردن ضمیر جاندار برای مرجع غیر جاندار:

«وادی ای هست دراز و عظیم و در وی آبهای بسیار است» (214ب).

حذف فعل به قرینه لفظی:

«کنیزکان را جامه های غلامان پوشانید و غلامان را جامه های زنان» (212ب).

تقدیم فعل:

«درآمد وزیر بلقیس نزد سلیمان» (213الف).

«منزعج گردانم ارکان ترا و سست کنم استخوانت را» (224الف).

آوردن «و» در آغاز جمله:

«و هب گوید - رضی الله عنه - و روزی سلیمان بر بساط خود در هوا می رفت» (216الف).

جدا آمدن بدل از مبدل منه:

«بعد از آن مادرش بمرد، صفوریه بنت موسی علیه السلام» (169الف).

ویژگیهای بلاغی و ادبی

همان گونه که یاد کردیم ساختار روایی متن، آن را به داستانی ادبی تبدیل کرده است و کمتر مجال برای مؤلف و مترجم فراهم آورده است تا در آوردن انواع آرایه‌های سخن جولان‌گری کنند. با این حال نمی‌توان برخی از آرایه ادبی را در آن نادیده انگاشت. طبیعی است که مهم‌ترین و پربسامدترین آرایه‌های ادبی، صنعت تضمین و سپس تلمیح است. در

این میان آیات قرآن، اقوال بزرگان و استناد مکرر بدان‌ها، به ویژه سخنان حضرت محمد (ص)، از مصداق‌های بارز آنهاست. به جز این آرایه‌ها می‌توان به موارد بلاغی زیر اشاره کرد:

ایجاز حذف:

«رسیدند و بگرفتند و بیاوردند» (220الف).

کنایه:

«من بر تو ظلم کردم و حق به دست تو بود» (179ب).

«دیوان زهره نداشتند که رو از سلیمان بگردانند و یا رو ترش کنند» (204الف).

تکرار:

«جعفر صادق رضی‌الله عنه روایت کند که جان در سر آدم علیه‌السلام قرارگرفت صد سال و در سینه وی صدسال و در پشت و شکم وی صدسال و در رانهاش صدسال و در ساق و قدمهاش صدسال بماند» (14الف).

اغراق:

«هزار و پانصد من سلاح او بود و درازی جالوت هشتاد گز بود و درازی داود ده گز بود» (177ب).

تشبیه:

«ایشان را چنگ‌ها بود همچون نیزه‌های دراز و آوازشان همچون رعد» (206الف).

«ایشان را گیسوان همچون زنجیرها بود» (206الف).

«بلقیس بر هر دری دختری از پریان نشانده بود هر یکی همچون آفتاب» (210الف)

تناسب:

«هر یکی به لونی و رنگی و سپید و زرد و سرخ و سبز و سیاه و ابلق» (206الف).

نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی

نام این اثر در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی آمده است و نسخه‌ای از آن نیز در همان جا به شماره 4459 نگهداری می‌شود (تصویر شماره 5). متن این نسخه با نسخه پاریس در محتوا اختلاف ناچیزی دارد. در مقدمه به نام مؤلف عربی آن، یعنی محمد بن عبیدالله کسایی اشاره شده است. در هیچ جای این نسخه به نام مترجم فارسی و نیز عنوان «نفایس‌العرایس» اشاره نشده است. در صفحه پایانی نام کاتب «داوود بن احمد» و تاریخ کتابت جمعه 27 محرم 707 هـ.ق. درج گردیده است.

ویژگی‌های این نسخه

خط این اثر از نوع نسخ است. عناوین قصه‌ها و گاه نام راویان در آن با شنگرف و درشت‌تر از متن اصلی تحریر شده است و جلد آن تیماج مشک‌ی است. فهرست مندرجات ندارد و در 470 صفحه و در هر صفحه 19 سطر کتابت شده است. آیات قرآنی درشت‌تر است و اغلب قبل از آنها عبارت «قوله تعالی، قال الله تعالی و فذلک قوله عزوجل» با شنگرف آمده است. صفحات این نسخه نیز همانند نسخه پاریس، رکابه ندارد و فاقد هرگونه تذهیب و حاشیه‌بندی و تصویرنگاری است. در حاشیه برخی از صفحات آن توضیحات و یادداشت‌هایی مشاهده می‌شود. متن آن افتادگی کمی

دارد و به نسبت خواناست پخش‌شدگی جوهر در اثر نم و رطوبت در آن ناچیز است. مترجم در مواردی جملات متن و آیات قرآن کریم را جابجا نقل کرده است.¹⁰ آیات قرآن بدون اعراب و با رسم‌الخطی ویژه است که گاه خواندن برخی از آنها را مشکل می‌کند. رسم‌الخط این نسخه تشابه فراوانی با نسخه پاریس دارد. بیشتر حرفهای «آ» بدون «مد» آمده است؛ حرف «پ» با یک نقطه و شبیه «ب» کتابت شده‌است و حرف «ج» شبیه حرف «ح» و «گ» شبیه حرف «ک» تحریر شده‌است و تشخیص آنها از هم‌دیگر، تنها با قرینه معنوی و شناخت واژه ممکن است:

«بفرمود که چهار نماز بکزارند نماز بیشین و دیگر و مغرب و عشا و انجا بمانند بشب» (141ب).

حرف «ی»، چه به صورت صامت و چه مصوت، در پایان واژه‌ها، با دو نقطه زیر آن آمده‌است. البته این شاخصه، کلی نیست و گاه این حرف بدون هیچ علامت خاصی نگارش یافته است. سبک زبانی و ادبی این اثر مشابه نسخه پاریس است.

فهرست‌نویسان نسخه‌های دیگری را نیز به عنوان ترجمه فارسی قصص‌الانبیای کسایی معرفی نموده‌اند از این میان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

نسخه کتابخانه بایزید استانبول

ین اثر با نام «نفایس‌العرایس و قصص‌الانبیاء» در فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه معرفی گردیده‌است.¹¹ نسخه خطی آن نیز در کتابخانه عمومی بایزید شهر استانبول ترکیه به شماره B5275 نگهداری می‌شود. نام کاتب آن ذکر نشده‌است. تاریخ کتابت آن 950 ه.ق. دانسته شده است و با خط نستعلیق نگارش یافته‌است. تعداد صفحات آن 325 برگ و در هر صفحه 18 سطر درج شده‌است. اندازه کتاب 21.7×32.5، جلد آن تیماج مذهب و سرلوحه آن نیز مذهب است. متن با حاشیه مزدوج طلایی مزین شده‌است. دو صفحه آغاز کتاب شبیه به صفحات قرآن کریم، مزین و مذهب است. از نکات برجسته این نسخه که علاوه بر یک متن ادبی، آن را به اثری هنری بدل نموده‌است، نقاشی میناتورهای زیبا از وقایع و صحنه‌های برخی قصص است. تعداد این نقاشی‌ها 42 عددست. نقاشی‌ها بسیار پررنگ، شفاف و با رنگ بندی زیبا و بر روی کاغذی متفاوت ترسیم شده‌است. در این نسخه، واژه‌های ناخوانا و نیز پخش‌شدگی مرکب دیده نمی‌شود. اندک اغلاط املائی¹² در آن دیده می‌شود. با مشاهده رکابه صفحات به نظر می‌رسد ترتیب برخی از آنها به هم خورده و صفحه‌ای چند از پایان کتاب افتاده است. با آن‌که آثار رطوبت در آن دیده می‌شود اما متن بسیار واضح و خوانا و در حاشیه‌های یکدست نگاشته شده است. آیات و احادیث در آن به رنگ طلایی و گاه با سنگ‌گرف تحریر شده‌است. نام مؤلف آن «محمدبن الحسن الدیدورمی» ذکر گردیده است. پیشتر نیز یاد شد که درباره این شخص و زادگاه وی اطلاعی در دست نیست.¹³

نسخه کتابخانه موزه توپقاپی سرای ترکیه

اصل این نسخه در کتابخانه موزه توپقاپی سرای استانبول در ترکیه نگهداری می‌شود. تاریخ کتابت آن سال 983 ه.ق. درج شده است و به شماره TSMK B.250 به ثبت رسیده‌است. نام مؤلف آن محمدبن‌الحسن الدیدوزمی آمده اما کاتب آن ذکر نشده‌است. این اثر نیز با 21 میناتور زیبا و در 276 صفحه و اندازه 35×23.5 فراهم آمده است. این اثر با

خطّ نستعلیق تحریر شده و محتویات آن نیز کاملاً شبیه به نسخه کتابخانه‌ی بایزید استانبول و نسخه موجود در کتابخانه‌ی مجلس شورا است.

به احتمال قریب به یقین و با دلایل زیر می‌توان گفت دو اثر اخیر ترجمه قصص الانبیای کسایی نیست: نخست آن‌که در هیچ بخش از متن کتاب، چه در مقدمه و چه مؤخره و حتی در صفحه انجامه آن به نام محمد بن عبدالله الکسایی اشاره‌ای نشده است.

دو دیگر آن‌که مؤلف، داستان‌های کتاب خود را از پدر خویش، حسن بن عبدالله، فرا گرفته است و از فقیهی شنیده است. دیدوزمی، خود در یکی از صفحات آغازین کتاب به این امر اشاره دارد:

«ما این کتاب برخط پدر خویش خواندیم الحسن بن عبدالله رحمه الله علیه و سماع از فقیه اجل العالم الواعظ ابوالفوارس الحجاف بن عبدالله¹⁴ کردیم بقره خویش و چندانکه اندر خورد بود، اندرین کتاب آوردیم...» (نسخه خطی استانبول: 8الف).

دلیل سوم آن‌که محتویات این کتاب در مقایسه با متن دو ترجمه پیش‌ذکر بسیار متفاوت است. مصنف پس از بیان تحمیدیه کوتاهی به زبان عربی، متفاوت با آنچه در اثر کسایی آمده است، آورده است:

«قال محمد بن الحسن الديدورمی غفر الله له و والديه و الاستاديه و مشايخ اهل سنته و الجماعه گفت یکی از دوستان ما، ما را سؤال کرد که کتاب فارسی تصنیف کردم به عون الله تعالی و به توفیقه» (الف).

وی مطالب کتاب خود را با مضامینی همچون اصول دین و فضایل اعمال و حکمت و بیان سخنان مشایخ آغاز نموده، سپس با طرح پرسشهایی که گاه رنگ و بوی کلامی می‌دهد، خود به پاسخ آنها مبادرت جسته است. در ادامه ضمن یادکردی از بزرگان سلف، سخن خود را با «باب ابتدای آفریدن آفریده‌ها» ادامه می‌دهد و از نور مصطفی، قصه عرش و کرسی، فرشتگان، قلم و لوح، دوزخ و بهشت سخن می‌راند و در ادامه، به بیان داستان انبیا می‌پردازد. دیدوزمی به برخی از قصه‌هایی که در اثر کسایی آمده است، نظیر قصه شیث، حام و پسران نوح، موسی بن میشا، یوشع بن نون، یوشافاس، یسع، اشعیا، حزقیل، خروج مهدی (عج) اشاره‌ای ندارد. اما قصه‌های ذوالکفل، ذوالقرنین، اصحاب کهف، بخت النصر و دانیال، عزیز، محمد (ص)، علی (ع) و حسن بن علی (ع) را در اثر او می‌توان خواند.

دیدوزمی در میانه داستانها بخشهای کوتاهی با عنوان لطیفه و حکایت می‌آورد. چنین ساختاری در اثر کسایی دیده نمی‌شود. تحریر این نسخه در قرن دهم هجری صورت گرفته است اما در نثر آن آثار کهنگی را می‌توان مشاهده نمود. گرچه از زمان حیات مؤلف اطلاعی در دست نیست اما به نظر می‌رسد نگارش آن نباید قبل از نیمه دوم قرن ششم صورت گرفته باشد. شاهد این احتمال ابیاتی است که ضمن داستان موسی با عنوان «بیات فی معنی لن ترانی» آمده است:

به هر کویی مرا تا کی دوانی	ز هر زهری مرا تا کی چشانی
به رود انداختن ز اول ره‌ی را	پس آنگه بر در دشمن نشانی
وزان پس دیگرم دادی غریبی	به مزدوری شعیم را شبانی
پس آنگاهی به تاریکی شب سرد	ز دورم مر مرا آتش نمانی
وزان پس چون غریبان گرد عالم	از این شهرم بدان شهرم دوانی
ایا موسی سخن گستاخ کردی	تو آئی کم شعیم را شبانی
شبانای را کجا آن زهره باشد	که تو بی واسطه او را بخوانی

وز آن پس هم به کوه طور سینا
 شراب الفت و صلیم چشمانی
 چو گشتم مست گفتم رب ارنی
 جواب آید که موسی لن ترانی

برخی از این ابیات را در غزلی از شیخ فریدالدین عطار (627-537 ه.ق.) می‌توان یافت.¹⁵ در صورت صحت انتساب این ابیات به عطار، نباید زمان تصنیف قصص‌الانبیای محمدبن حسن دیدوزمی را قبل از نیمه دوم قرن ششم دانست. در حالی که برخی،¹⁶ زمان نگارش این کتاب را قرن پنجم دانسته‌اند. به احتمال قریب به یقین اثر دیدوزمی می‌تواند برداشتی از تاج‌القصص و یا تحریر جدیدی از آن باشد. با این حال می‌توان گفت که عقیده فهرست نویسانی که قصص‌الانبیای دیدوزمی به نام نفایس‌العرایس را ترجمه فارسی قصص‌الانبیای کسایی دانسته‌اند، خطا بوده‌است.¹⁷

نتیجه

- 1- قصص‌الانبیای کسایی و ترجمه‌های فارسی آن حاوی داستانهای عامه پسند است که در اکثر سرزمین‌های اسلامی و اخیراً در مغرب زمین مورد توجه داستان‌پردازان و محققان واقع شده است.
- 2- بر اساس یافته‌های این پژوهش، تنها دو ترجمه به فارسی (بدون ذکر نام مترجم یا مترجمان) و آن هم به صورت نسخه خطی از این اثر موجود است و تا کنون هیچ یک معرفی، تصحیح و چاپ نشده‌اند. ویژگی‌های ممتاز سبکی و روایی ترجمه‌های فارسی قصص‌الانبیای کسایی، تحقیق و پژوهش بیشتر درباره آن را ضروری می‌نماید.
- 3- بر اساس یافته‌های این پژوهش گزارش فهرست نویسان را در باره ترجمه اثر کسایی به فارسی با عنوان «نفایس‌العرایس» از محمدبن حسن دیدوزمی، نمی‌توان قطعی دانست. نفایس‌العرایس خود بازنوشتی کتاب «تاج‌القصص» است.

الحمد لله الذي انبت للخالق نباتا. وجعلهم احياء بعد موتهم كانوا
 امواتا. وجمعهم بعد موتهم احياء. ونزلهم من طبق الى طبق
 فجعلهم مصعبا بعد العلق. ثم شق منهم الشقوق وخرق فيهم
 الخروق وعصب فيهم العصب وركب فيهم العقب وجعل العروق
 السارية كالانوار الجارية. وانشاء فيهم اللحم وانبع فيهم الدم
 وجسد فيهم جسد. ومد عليهم الجلد من شئ يخرج فيهم الروح مبتدئا
 من النافوخ. واوجد فيهم في الحركات واحداث فيهم
 المسكنات. وجعل فيهم في كل شئ ما ينسب وحيثما هم بالعروق
 المتفرقة وخلق فيهم الحوائط الخمسة ورفع بها عنهم اللبس
 ليقع لهم العلم بالمسوسيات والادراك بالموسيات ثم
 اخرجهم بعد تمام الخلقه وتمام البيضة للعشاء المهدور ليعتشرهم
 الى الاجل المحدود واودع عليهم النبيذ في عطف عليهم القلوب
 خلقا ووسع عليهم النعم ورفع عنهم القلم حتى اذا بلقوا الكمال
 وعرفوا الحق من الحق من العقل كفهم من العمل ما اختلوع وحتم
 على النظر ليراهم العبر ليعلموا ان الله على كل شئ قدير وان الله
 قد احاط بكل شئ علما وقضى كل شئ عددا. **فصل في بيان** من محكم
 التركيب ومظهر الفهم العجيب قوله تعالى فسواك قعود لك
 في اي صورة فما شاء اريك فنبارك الله احسن الخالقين
 وصلواته على خير خلقه وافضل رسله **فصل** في عهد الله
 خاتم النبيين ورسوله رب العالمين وعطاه وصحبه
 اجمعين امين

هذا كتاب جمع فيه المبتدات
 فخلق السموات والارض والجن والانس واورد احوال
 النبيين على قدر ما احتسرها ووقع لي من اخبارهم وانصلي لي
 من انبياءهم بعد ان اجتهدت فقرأت ما قرب منها وما بعد
 منها فوافقت منها الحق فهو الذي قصدت انا وما نوفي بي
 الا بالله عليه توكلت واليه انبث **حديث التوح والعلم**
والعرش والكرسي والمطهر قال ابن عباس
 رضى الله عنه اول ما خلق الله تعالى الملح المحفوظ وحفظ
 ما فيه الى يوم القيمة وهو من ذريرة ادم فاقامها من جوه
 طولها خمسمائة عام وله اسمان ينسب منه النور كما ينسب من
 اقدام اهل الدنيا المياد **فصل** في عرق القلم ان القلم

شکل 1: تصویر صفحه آغازین نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره 9893

1. The Tablet and the Pen

Ibn Abbas¹ said: The first thing God created was the Preserved Tablet, on which was preserved all that has been and ever shall be until the Day of Resurrection. What is contained thereon no one knows but God. It is made of white pearl.

Then, from a gem, He created a Pen, the length of which would take five hundred years to traverse. The end of it is cloven, and from it light flows as ink flows from the pens of the people of this world. The Pen was told, "Write!" And, as the Pen trembled because of the awesomeness of the proclamation, it began to reverberate in exaltation, as thunder reverberates. Moved by God, it flowed across the Tablet, writing what is to be until the Last Day, whereat the Tablet was filled and the Pen ran dry. And he who is to be happy shall be, and he who is to be wretched shall be.

2. The Creation of Water

Ibn Abbas said: After that, God created in the backbone of the heavens and the earths a white pearl with seventy thousand tongues to glorify Him. With each of these tongues it glorifies Him in seventy thousand languages.

Kaab said:² It has eyes so large that if the towering mountain peaks were cast into them, they would be like flies on the surface of the Great Sea.

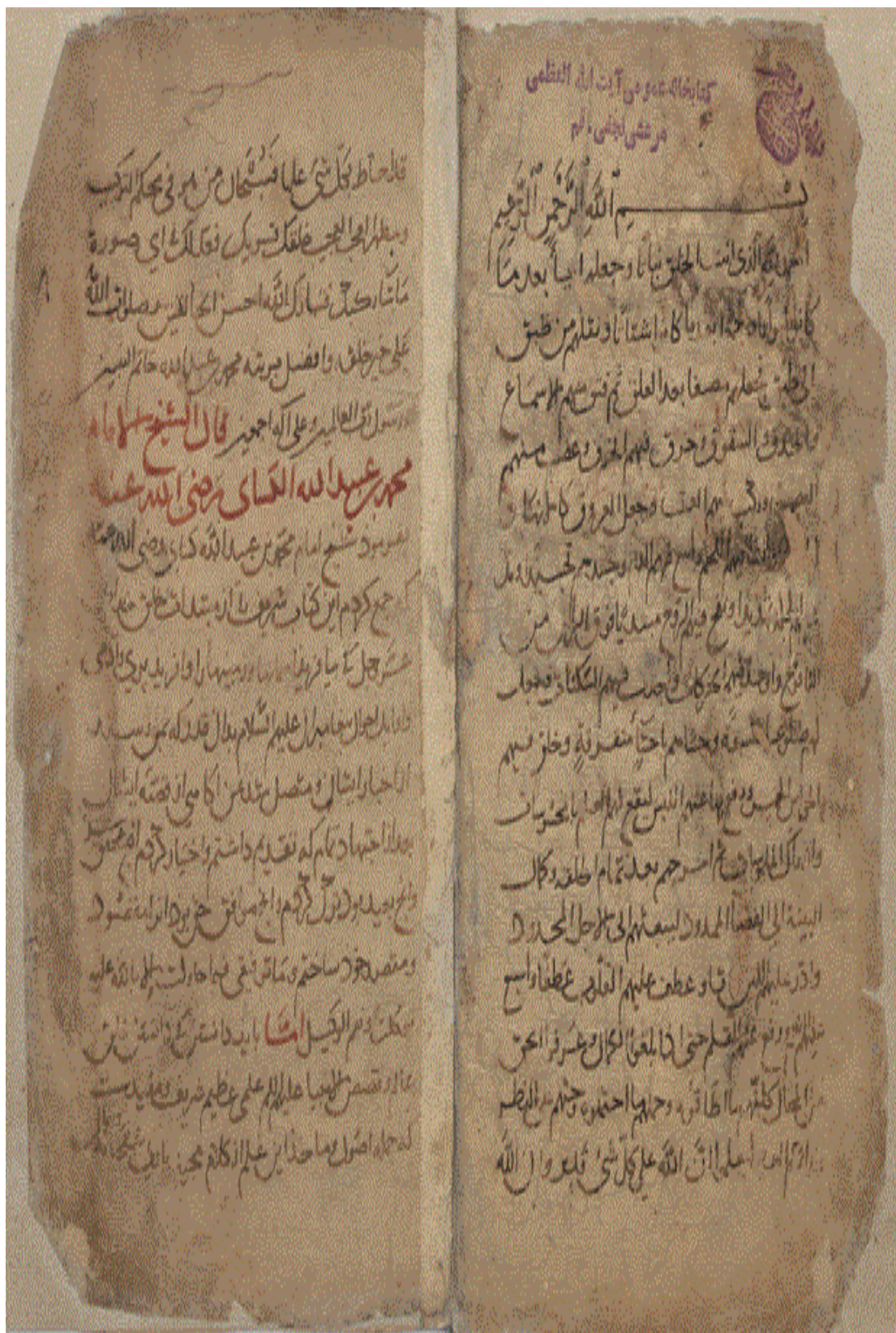
Then God spoke to the pearl; and, because of the majesty of the proclamation, it trembled so much that it became moving water, with waves swelling and crashing against each other.

5



شکل 2: تصویر صفحه مقدمه چاپی ایزنبرگ

شکل 3: تصویر صفحه نخست متن انگلیسی



شکل 5: تصویر برگ نخست نسخه کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی

پی‌نوشت‌ها

- 1- یکی از این منابع کتاب «Biblical Prophets in the Qur'an and Muslim Literature» اثر «Roberto Tottoli» به زبان ایتالیایی نوشته شده و ترجمه انگلیسی آن توسط «Michael Robertson» از سوی انتشارات Routledge Chapman & Hall انگلستان به سال 2009 در 227 صفحه منتشر شده است.
- 2- تصحیح آن براساس قدیم‌ترین نسخه موجود به دست دکتر حامد نوروزی و دکتر مسعود قاسمی انجام یافته است و به زودی توسط میراث مکتوب چاپ می‌شود.
- 3- نسخه عکسی این اثر در مرکز احیای میراث اسلامی به شماره 1596 موجود است. نسخه دیگری در این مرکز به شماره 973 با نام «قصص الانبیاء» مولف ابوالحسن محمد بن عبدالله بن محمد کسائی به ثبت رسیده است.
- 4- این کتاب از سوی انتشارات بریل به سال 1922 در لیدن هلند چاپ و منتشر شده است.
- 5- برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به مقدمه کتاب «بدء الخلق و قصص الانبیاء»، تحقیق و دراسه طاهر بن سالمه، انتشارات دارالنقوش العربیه، تونس، 1988
- 6- نمونه متن‌ها از نسخه خطی کتابخانه پاریس آمده است. اعداد شماره برگ و حروف جهت آن را نشان می‌دهد.
- 7- معنی ابیات: «جهان و هرچه در آن است، دگرگون شد. پس صورت زمین غبار آلود و زشت شد. هر چه دارای طعم و رنگ بود، دگرگون شد و بشاشی و نشاط چهره زیبا کم شد. قایل برادرش، هابیل را کشت. واسفا بر رخسار زیبایش».
- 8- کتاب دیگری به نام «عجایب الملکوت» نیز به محمد بن عبدالله کسایی نسبت داده شده است.
- 9- منظور از رکابه یا راده یک یا چند واژه‌ی نخستین از رویه یک برگه که در گوشه پایین، سمت چپ از برگه پیشین ثبت می‌شد و معمولاً در نسخه‌های خطی فارسی و عربی، برای حفظ ترتیب صفحه‌ها، هنگام به هم ریختگی کتاب، به جای صفحه‌شمار استفاده می‌شده است.
- 10- به عنوان نمونه آیه «قَالُوا أُرْجِحُهُ وَ أَخَاهُ وَ ابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ يَا تُوَكُّ بِكُلِّ سَخَارٍ عَلِيمٍ» (الشعراء، 36-37) را این گونه نقل کرده است «فارجیهما وَ ابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ يَا تُوَكُّ بِكُلِّ سَخَارٍ عَلِيمٍ» (ر.ک. نسخه خطی کتابخانه مرعشی، 246 الف)
- 11- پیشتر نیز یاد شد که این اثر در فهرست ادگار بلوشه، ادبیات فارسی بر مبنای استوری، تاریخ نظم و نثر در ایران، الذریعه و کشف الظنون معرفی شده است.
- 12- نظیر: سطر، موصی، بخت النسر
- 13- اگر به فرض دیدوزمی (Dayduzami) صفت نسبی باشد، احتمال اینکه دیدوزم یا دیدورم نام شهر یا قریه ای باشد، کم نیست. جستجوی نگارنده برای یافتن چنین نامی تاکنون به نتیجه نرسیده است.
- 14- در باره این شخصیت اطلاعی به دست نیامد.
- 15- ر.ک. دیوان عطار، تصحیح تقی تفضلی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص 661، غزل 824
- 16- از جمله آنها استاد سعید نفیسی است. ر.ک. تاریخ نظم و نثر در ایران، جلد 1، صفحه 64، ذیل کلمه نفیس
- 17- نگارنده در مقاله مفصلی با عنوان «ناگفته‌هایی از قصص الانبیای دیدوزمی» به این موضوع پرداخته است.

منابع

1- قرآن کریم

2- آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن. (1978). الذریعه الی تصانیف الشیعه. نجف: مکتبه صاحب الذریعه.

- 3- استوری، چارلز آمبروز. (1362). ادبیات فارسی بر مبنای استوری. ترجمه یحیی آرین‌پور و دیگران. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- 4- بخاری، ابونصر احمد بن محمد. (1386). تاج القصص. تصحیح سیدعلی آل داود. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- 5- بوشنجی، ابوالحسن بن الهیصم. (1384). قصص الانبیاء. ترجمه تستری. تصحیح محمدزاده. مشهد: دانشگاه مشهد.
- 6- بهار، محمد تقی. (1381). سبک شناسی. تهران: انتشارات زوار.
- 7- پائولینی، یان. (1390). نکاتی درباره کتاب‌های قصص الانبیا در منابع اسلامی. ترجمه عباسی و نوشاوند. آئینه پژوهش. شماره 128، ص. ص. 27-32.
- 8- حسینی، احمد. (1362). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- 9- دانش پژوه، محمد تقی. (1362). فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.
- 10- ----- (1348). فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.
- 11- درایتی، مصطفی. (1389). فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا). تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس.
- 12- عطارنیشابوری، فریدالدین محمد. (1368). دیوان عطار. تصحیح تقی فضل‌لی. تهران: علمی و فرهنگی.
- 13- مایل هروی، نجیب. (1380). تاریخ نسخه پردازى و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی. تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 14- مزدرانی، فرشاد. (1389). قصص الانبیای کسای. آئینه میراث. شماره 41، ص 28.
- 15- منزوی، احمد. (1382). فهرستواره کتابهای فارسی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- 16- ناتل خانلری، پرویز (1366)، تاریخ زبان فارسی. تهران، نشر نو
- 17- نیشابوری، ابواسحاق. (1340). قصص الانبیاء. تصحیح حبیب یغمایی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- 18- نفیسی، سعید. (1344). تاریخ نظم و نثر در ایران. تهران: فروغی.
- 19- هاشم پور سبحانی، توفیق. (1372). فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

منابع عربی

- 20- ابن کثیر، عماد الدین ابی الفداء اسماعیل. (1401ق.). قصص الانبیاء از آدم تا عیسی (ع). بیروت: مکتبه الاسلامیه.
- 21- الثعلبی نیشابوری، احمد بن محمد. (2006). قصص الانبیاء (المسمى عرائس المجالس). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- 22- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله. (2007). کشف الظنون عن اسامی کتب و الفنون. بیروت: دارالفکر.
- 23- راوندی، قطب الدین. (1409ق.). قصص الانبیاء. از آدم تا خاتم (ص). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- 24- کسای، محمد بن عبدالله. (1922). قصص الانبیاء. تصحیح ایزاک ایزنبرگ. لیدن: انتشارات بریل.
- 25- ----- (1998). بدء الخلق و قصص الأنبياء. تصحیح طاهر بن سالمه. تونس: دارالنقوش العربی.

نسخ خطی:

- 26- نسخه خطی ترجمه فارسی قصص الانبیای کسای. کتابخانه ملی پاریس. به شماره R7843

- 27- نسخه خطی ترجمه فارسی قصص الانبیای کسایی. کتابخانه آیت‌الله عظمی مرعشی نجفی. قم. به شماره 4459
- 28- نسخه خطی فارسی قصص الانبیاء. محمد بن الحسن الدیدوزمی. کتابخانه‌ی بایزید استانبول. به شماره B5275
- 29- نسخه خطی فارسی تاج‌القصص. ابونصر علی بن نصر بخاری. کتابخانه مجلس شورای اسلامی. به شماره 87392
- 30- نسخه خطی عربی قصص الانبیای کسایی. دانشگاه میشیگان امریکا. به شماره IL287a
- 31- نسخه خطی عربی قصص الانبیای کسایی. دانشگاه ملک سعود عربستان. 5961ف 2/1731

منابع انگلیسی:

- 32-Tottoli, Roberto .(2009). *Biblical Prophets in the Qur'an and Muslim Literature*. United Kingdom, Routledge Chapman & Hall
- 33- Thackston, Wheeler. M(1997). *Tales Of The Prophets Of Al'Kisa'I*. USA, KAZI publication
- 34- Nagel, Tilman. (1986), *Al-'Kisa'i*, The Encyclopaedia of Islam (New Edition), by Clifford Edmund Bosworth, E. Bosworth, Vol. 5, p176, Leyden, Brill Academic Publishers

